



۱۰۱ سؤالی که در دهه
بیست سالگی
باید از خود بپرسید

و صادقانه بگویم، در دهه سی سالگی هم همین طور



پل انگون
ترجمه هدیه جامعی

به نام خدا

۱۰۱ سوالی که در دهه بیست سالگی باید از خودتان
پرسید

و صادقانه بگویم در دهه سی سالگی هم همینطور

نویسنده: پل انگون

ترجمه: هدیه جامعی

تعداد صفحات: ۲۵۶

موضوع: راهنمای مهارت زندگی برای جوانان

چاپ اول: ۱۳۹۸

قدرت و اهمیت سوالات درست

برای پیدا کردن جواب های درست و مناسب اول از همه باید سوالات درست و مناسب پرسید. به نظر من در دهه ۲۰ سالگی هیچ چیز با اهمیت تر و قدرتمند تر از پرسیدن سوالات درست و مناسب نیست در واقع سوال درست نصف مشکل را حل می کند.

همان طور که از نام کتاب پیداست در این کتاب یاد می گیریم که چه سوالاتی را باید از خودمان پرسیم تا به جواب درست برسیم.

اولین سوالی که باید پرسیم این است که بهترین راه برای به هم زدن با خودم چیست؟

جواب قطعا تغییر کردن است. تغییر کردن می تواند به سختی و دردناکی یک مشت محکم توی شکم باشد. تغییر یعنی از چیز هایی که به آنها وابسته بودیم دست بکشیم تا اتفاقات عجیب و خاصی درون مان شکل بگیرد البته باید مواظب باشیم که عجله بودن و تلاش برای سریع تر حرکت کردن ما را از مقصد دور نکند.

جالبترین قسمت این کتاب از نظر من سوال یازدهم بود و اینکه چه زمانی آمادگی ازدواج دارید سوالی که مدت ها ذهنم را به خود مشغول کرده بود چطور باید

فهمید که آیا آمادگی ازدواج داریم یا نه و جوابش این بود:

تا زمانی که ازدواج نکنی نمیدانی که آمادگی اش را داشته ای یا نه؟

در واقع تمام اطلاعاتی که درباره ازدواج دارید هنگام ازدواج دود می شوند و به هوا میروند بنابراین اگر قصد ازدواج دارید پنج نشانه آمادگی برای ازدواج را بخوانید.

۱. درست وقتی آهنگ مورد علاقه تان در حال پخش است یکی شبکه را عوض میکند شما عصبانی نمیشوید. چنین لحظه ای در شکل های مختلف حداقل یکبار رخ میدهد اگر میخواهید نفس عمیقی بکشید و از عقاید و علایق تان دست بکشید انوقت آماده ازدواج هستید.

۲. تنها چیزی که به طور قطع می دانید این است که چقدر نمیدانید با این حال میتوانید در چنین فضایی زندگی کنید و نفس بکشید. اگر در ازدواج مثل یک تکه چوب انعطاف ناپذیر و سرسخت باشید در این صورت ازدواج با همان چوب توی سرتان خواهد خورد.

۳. قادر به تمیز کردن توالت هستید و البته تی کشیدن زمین، خرید مواد غذایی و اساسا هر چیز دردناکی که مربوط به دوران بزرگسالی میشود.
۴. آماده هر نوع ماجرا جویی مسخره و دیوانه کننده در تمام پستی ها و بلندی ها در زندگی هستید.
- بدترین لحظه زندگی تان را تصور کنید و حالا بهترینش را تصور کنید. حالا تصور کنید یک نفر درست کنار تان ایستاده و دستتان را گرفته است و سعی میکند در هر دو این لحظات حالتان را درک کند.
- در ازدواج شما شخصی را در بدترین لحظه زندگی اش نمی بینید بلکه با او در چنین لحظه ای زندگی میکنید و باهم این لحظات را می گذرانید.
5. اگر از رابطه داشتن با افراد مختلف خسته شده اید و یک کاسه سوپ داغ و خوشمزه را به همه آنها ترجیح میدهید بنابراین به ازدواج بسیار نزدیک شده اید.
- و خلاصه اینکه این کتاب را به همه دوستان عزیزم پیشنهاد میکنم حتی در دهه چهل سالگی